

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه شصت و چهارم ۹۶/۱۱/۲۴

آشنایی با فرق کلامی اهل سنت - مبانی فکری وهابیت

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

بحث ما در رابطه با مبانی فکری وهابیت بود افزون بر آن چه که احمد ابن حنبل داشت در دو مسئله زیاده روی دارند یکی بحث تجسیم خدای عالم نستجیر بالله و دیگری اهانت به اهل بیت عصمت و طهارت است.

در این قضیه هم خیلی برایشان مهم نیست که آیا اهانت به امیرالمؤمنین سلام الله علیه به چه قیمتی تمام می شود. این برای شان مطرح نیست. ولو این که قداست خدای عالم هم زیر سوال برود یا صحابه زیر سوال بروند برای آن ها خیلی مهم نیست، ابن تیمیه به صراحت می گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه»

بسیاری از صحابه بغض علی علیه السلام را داشتند و امیرالمؤمنین را سب می کردند.

منهاج السنة النبوية ، ج ۷ ، ص ۱۳۷ اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة:

۷۲۸ ، دار النشر : مؤسسة قرطبة - ۱۴۰۶ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم

این که بغض امیرالمؤمنین سلام الله علیه کفر و نفاق است من گمان نمی کنم برای کسی پوشیده باشد و یا سب امیرالمؤمنین چه حکمی دارد، این برای کسی پوشیده نیست.

ما بارها این را از وهابی‌ها سوال کردیم تا کنون به ما جوابی نداده‌اند که منظور ابن تیمیه از این عبارت:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونهم»

چیست؟ می‌خواهد با جمله‌ای که آورده است چه کار بکند؟ راست می‌گوید یا دروغ می‌گوید، اگر راست می‌گوید

« كثيرا من الصحابة يبغضون علياً و يسبون علياً »

پس آن مبنای عدالت صحابه که شما دارید به هم می‌ریزد! تعبیر بزرگان شما این است که در منابع‌شان دارند:

« من سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَنِي »

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۶ ص ۳۲۳، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ۲۴۱ ، دار

النشر : مؤسسة قرطبة - مصر

با سند صحیح هم دارند:

«من سب عليا فقد سبني هذا حديث صحيح الإسناد»

المستدرک علی الصحیحین ، ج ۳ ، ص ۱۳۰ ، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري

الوفاة: ۴۰۵ هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : مصطفى

عبد القادر عطا.

پس صحابه در حقیقت با سب امیرالمؤمنین سب النبی می‌کردند! آیا کسی که سب النبی بکند می‌شود او را

عادل دانست؟ می‌شود او را «من اهل الجنة قطعاً» دانست؟ آیا با آن مبنای فکری شما در تضاد نیست که

می‌گویید:

«الصحابة كلهم عدول»

الإصابة في تمييز الصحابة، ج ١، ص ٢٢، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢ هـ)، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - ١٤١٥ هـ.

یکی از مصادر تشریح شما صحابه است و تا به حال عرض کردم جوابی نداده‌اند تنها جوابشان این است که ابن تیمیه در مقام مقایسه است! طرفداران ابوبکر را با طرفداران علی مقایسه می‌کند!

ما هم می‌گوییم مقایسه می‌کند تعبیرش این است:

«سِیما أبو بکر و عمر فان عامة الصحابة و التابعین كانوا یودونهما»

منهاج السنة النبویة، ج ٧، ص ١٣٧، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس الوفاة: ٧٢٨، دار النشر: مؤسسة قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم

عموم صحابه و تابعین ابوبکر و عمر را دوست داشتند، اگر دوست داشتند جنگهای رده چه می‌شود که در آن هزاران نفر کشته شدند؟! آیا این‌ها چون به آقای ابوبکر علاقمند بودند، ابوبکر می‌خواست این دوستانش را زودتر به بهشت بفرستد و به همین خاطر آن‌ها را کشت؟!

آیا مالک ابن نویره و... از احباء ابوبکر بودند؟! آن‌ها را کشتند که زودتر به بهشت بروند؟! شما ببینید تک تک صحبت ایشان را که بخواهد مقایسه کند همه این‌ها زیر سوال بردن کل صحابه و زیر سوال بردن مبانی اعتقادی اهل سنت است.

پرسش:

استادا! اگر بگویند که للمجتهد اجران، چه جواب بدهیم؟

پاسخ:

در مورد بحث اجتهاد من قول دادم که یکی دو روز در آن موضوع صحبت کنیم.

«المجتهد»

باید:

«اجتهد من الكتاب او من السنة»

من الكتاب؛ قرآن در مورد بت پرستان می گوید:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ»

سوره انعام (۶): آیه ۱۰۸

(وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا)

سوره بقره (۲): آیه ۸۳

سنت هم می گوید:

« من سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي »

از کجا اینها اجتهاد کرده اند؟! غیر از این است که برای اولین بار ابوبکر گفت من اجتهاد می کنم اگر این اجتهاد

درست بود:

« فَمِنْ اللَّهِ وَإِنْ كَانَ خَطَأً فَمِنِّي وَمِنْ الشَّيْطَانِ »

سنن الدارمی، ج ۲، ص ۴۶۲، اسم المؤلف: عبدالله بن عبدالرحمن أبو محمد الدارمی الوفاة: ۲۵۵ ، دار النشر :

دار الكتاب العربي - بيروت - ۱۴۰۷ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : فواز أحمد زمرلي , خالد السبيع العلمي

ان شاء الله روایاتش را یک روز من مفصل با تصاویرش می‌خوانم این قضیه را نه تنها ابوبکر بلکه ابن مسعود هم می‌گوید:

«فَإِنْ يَكُ صَوَابًا فَمِنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ يَكُنْ خَطَأً فَمِنِّي وَمِنْ الشَّيْطَانِ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱ ص ۴۴۷ اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ۲۴۱، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر

ابوسعید خدری هم همین طور و... و تمام روایاتی که در رابطه با اجتهاد دارند می‌گویند:

«إِنْ أَخْطَأْتُ فَمِنَ الشَّيْطَانِ»

أصول البزدوي - كنز الوصول الى معرفة الأصول، ج ۱، ص ۲۳۶، اسم المؤلف: علي بن محمد البزدوي الحنفي الوفاة: ۳۸۲، دار النشر: مطبعة جاويد بريس - كراتشي.

چطور می‌شود یک چیزی من الشیطان باشد ولی خدا به آن اجر بدهد؟!

ببینید یکی از مباحثی که باید خیلی روی آن کار بشود همین قضیه است که این اجتهادی که این‌ها در آوردند چه قضیه و چه موضوعی است، برای چه این را تراشیدند؟ اگر اجتهاد واقعا مبرر برای ارتکاب به معاصی باشد و پیش خدای عالم حجت باشد، تعداد زیادی از صحابه اجتهاد کردند شراب خوردند خود عمر صحابه‌ای مثل قدامة ابن مظعون را خواباند و حد شراب زد.

چطور شد؟ افرادی مانند قدامة ابن مظعون و دهها فرد دیگری را که خود عمر حد زده است. این‌ها هم اجتهاد فرمودند! یعنی کسی که یک اجر داشته به خاطر این یک اجر او را حد می‌زنند! هر طرف که بخواهند بروند سد بزرگی جلوی آنهاست. نمی‌توانند از این سد رد بشوند بلکه یک دره‌ای است که هرکجا می‌روند به ته دره می‌افتند، من تعجب می‌کنم!

من واقعا بعضی وقتها فکر می‌کنم خدای عالم یک نعمت بزرگی که اصلا تصور نمی‌کنیم به ما داده است

« الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ »

این نعمت ولایت و این فرهنگ اهل بیت که فرهنگ منطبق با قرآن و سنت است. ما قدرش را نمی‌دانیم یعنی نشد ما یک دفعه دو رکعت نماز شکر یا یک سجده‌ی شکر به جا آوریم و صد مرتبه بگوییم شکر الله، شکر الله به خاطر نعمت ولایتی که به ما عطا فرمودی.

قضیه هم به قدری روشن و واضح است

(قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ)

سوره بقره (۲): آیه ۲۵۶

«كالشمس في رابعة النهار»

در هر صورت، در جای دیگر تعبیر ابن تیمیه این است:

«و قد علم قدح كثير من الصحابة في علي»

بسیاری از صحابه نسبت به علی ابن ابی طالب طعنه می‌زدند.

منهاج السنة النبوية، ج ۷، ص ۱۴۷، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة:

۷۲۸، دار النشر: مؤسسة قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم

علی ابن ابی طالب قبل از این که امام و خلیفه باشد صحابه است، شما که می‌گویید کسی که در صحابه قدح و

طعن بزند

«من طعن في الصحابة او قدح في الصحابة فهو زنديق، دوائه السيف أراد أن يبطل سنتنا»

«فمن طعن فيهم فهو ملحد منابذ للاسلام دواؤه السيف إن لم يتب»

السرخسي الحنفي، شمس الدين ابوبكر محمد بن احمد بن أبي سهل (متوفى ٤٨٣هـ)، أصول السرخسي، ج

٢، ص ١٣٤، تحقيق: ابو الوفاء الافغانى، ناشر: دار الكتب العلميه - بيروت، الاولى، ١٤١٤هـ.

این‌ها که به صحابه قدح می‌کنند می‌خواهند دین ما را نابود کنند چون دین ما از طریق صحابه به ما رسیده است، کسی که به صحابه طعن بزند ما او را متهم می‌کنیم.

می‌گوییم آقا امیرالمؤمنین علیه السلام قبل از این که خلیفه باشد صحابه هست یانه؟

پرسش:

می‌گویند اقران نسبت به همدیگر این کار را کردند!

پاسخ:

ما هم می‌گوییم:

«أصحابي كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم»

الشريعة، ج ٤، ص ١٦٩٠، اسم المؤلف: أبي بكر محمد بن الحسين الآجري الوفاة: ٣٦٠هـ، دار النشر: دار

الوطن - الرياض / السعودية - ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م، الطبعة: الثانية، تحقيق: الدكتور عبد الله بن عمر بن

سليمان الدميحي

آیا می‌توانند در آن‌جا به ما جواب بدهند!؟

حالا کسی می‌گوید:

« كثير من الصحابة قدحوا في علي»

کسی هم می‌آید اقتدا به کثیر من الصحابه، قدحوا فی ابی بکر می‌کند! آیا این را قبول می‌کنند؟!

پرسش:

استادا! ما هم به معاویه اقتدا می‌کنیم در سب صحابه!

پاسخ:

بله!

پرسش:

می‌گویند بقیه صحابه را هرچه سب می‌کنید بکنید ولی شیخین را سب نکنید!

پاسخ:

مگر آن‌ها تافته‌ی جدا بافته هستند، این‌ها سه نفر شیخین و عایشه را استثنا می‌کنند، نستجیر بالله اگر کسی بیاید به حضرت خدیجه سلام الله علیها بد بگوید کاری ندارند و نسبت به ام سلمه و به حتی نسبت به حفصه دختر عمر شما ده تا فحش بدهید کاری شما ندارند.

فقط می‌گویند به عایشه چیزی نگویید! چرا؟ چون عایشه در برابر علی علیه السلام ایستاده است! به معاویه دست نزنید چون در برابر علی علیه السلام ایستاده است! ولی نسبت به محمد ابن ابی بکر خودشان چقدر فحش می‌دهند و به محمد ابن ابی بکر توهین می‌کنند.

در هر صورت...

یکی از وقیح‌ترین عباراتی که ابن تیمیه دارد در منهاج السنه جلد ۷ صفحه ۲۳۷ است -خدا به حق حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها آنچه که مستحق است به ابن تیمیه و طرفدارانش بدهد-

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنتُمْ سُكَارَى)

...در حالت مستی نماز نخوانید

سوره نساء (۴): آیه ۴۳

ابن تیمیه دارد:

«وقد أنزل الله تعالى في على»

منهاج السنة النبوية ، ج ۷ ، ص ۲۳۷ ، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس الوفاة:

۷۲۸ ، دار النشر : مؤسسة قرطبة – ۱۴۰۶ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم.

بینید چقدر بی حیا و بی شرم است! همان تعبیر اقای غماری را باید بگویم علیه لعائن الله.

پرسش:

استاد ببخشید! سند ذکر نمی‌کند؟

پاسخ:

(وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ أَوْلِيَاءَهُمْ)

سوره انعام (۶): آیه ۱۲۱

آیا بهتر از این شما سند می‌خواهید!

«عن علي رضي الله عنه قال دعانا رجل من الأنصار قبل تحريم الخمر فحضرت صلاة المغرب فتقدم رجل فقرأ

(قل يا أيها الكافرون) فالتبس عليه فنزلت (لا تقربوا الصلاة وأنتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون)»

المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۱۹۸، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة:
۴۰۵ هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : مصطفى عبد

القادر عطا

یکی از انصار آمد در حالت مستی جلو افتاد آیهی

(قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ)

سوره کافرون (۱۰۹): آیه ۱

را خواند در آیه بعدی امر بر او مشتبه شد:

(لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ)

سوره کافرون (۱۰۹): آیه ۲

لا را حذف کرد **لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ** خواند حالا این که قضیه چه بوده **فالتبس عليه آیه** نازل شد:

(لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى)

سوره نساء (۴): آیه ۴۳

در ادامه دارد:

«هذا حديث صحيح الإسناد»

حاکم نیشابوری خیلی حرف جالبی زده است یعنی به نظر من به ابن تیمیه خبیث و طرفدارانش تو دهنی زده

است، ایشان می گوید:

«و في هذا الحديث فائدة كثيرة»

آن فايده چيست؟

«وهي أن الخوارج تنسب هذا السكر وهذه القراءة إلى أمير المؤمنين علي بن أبي طالب»

الحاكم النيسابوري، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفى ٤٠٥ هـ)، المستدرک علي الصحيحين، تحقيق: يوسف

عبد الرحمن المرعشلي، دار المعرفة، بيروت.

خوارج اين وَأَنْتُمْ سُكَارَى را به اميرالمؤمنين عليه السلام نسبت می دهند. مشخص شد! دزد مشخص شد که

چه کسی است! خوارج کارشان اين است که می گویند اين آیه در حق علی عليه السلام نازل شده است.

«وقد برأه الله منها فإنه راوي هذا الحديث»

خود اميرالمؤمنين راوی اين حديث است.

نه اين که نستجير بالله اميرالمؤمنين عليه السلام شأن نزول اين حديث باشد، عزيزان خوب دقت کنند، حالا چرا

اين تعبير را آوردند؟

«لَمَّا نَزَلَ تَحْرِيمُ الْخَمْرِ قَالَ عُمَرُ اللَّهُمَّ بَيِّنْ لَنَا فِي الْخَمْرِ بَيِّنًا شِفَاءً فَتَزَلَّتْ آيَةُ الَّتِي فِي الْبَقَرَةِ (يَسْأَلُونَكَ عَنِ

الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ) قَالَ فَدَعِيَ عُمَرُ فَقُرِئَتْ عَلَيْهِ»

سنن أبي داود، ج ٣، ص ٣٢٥، اسم المؤلف: سليمان بن الأشعث أبو داود السجستاني الأزدي الوفاة: ٢٧٥ ، دار

النشر: دار الفكر - - ، تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد

عمر را خواستند و گفتند که اين آیه نازل شده است. گفت: نه! به درد نمی خورد! من هنوز به کارم ادامه می دهم!

« قال اللهم بَيِّنْ لنا في الخَمْرِ بَيَانًا شِفَاءً فَتَنَزَلَتْ الْآيَةُ الَّتِي فِي النِّسَاءِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ) فَكَانَ مُنَادِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ يُنَادِي «

باز منادی پیامبر صلی الله علیه واله و سلم ندا کرد

« أَلَا لَا يَفْرَبَنَّ الصَّلَاةَ سَكْرَانٌ قَدَعِيَ عُمَرُ فَقُرِئَتْ عَلَيْهِ «

-چطور شد از بین این هم صحابه بعد از نازل شدن این آیه عمر را صدا می‌زنند و این آیه را برایش می‌خوانند؟! -

« فقال اللهم بَيِّنْ لنا في الخَمْرِ بَيَانًا شِفَاءً فَتَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ) «

بس‌تان است!

« قال عُمَرُ أَنْتَهَيْتَنَا «

عمر گفت بس‌مان است.

مسند احمد با تحقیق شعیب ارنؤوط وهابی، جلد ۱، صفحه ۴۴۲ باز همان تعبیر را دارد:

« لَمَّا نَزَلَ تَحْرِيمُ الخَمْرِ قَالَ اللَّهُمَّ بَيِّنْ لنا في الخَمْرِ بَيَانًا شَافِيَا «

بعد از این که تحریم خمر آمد عمر گفت: خدایا برای ما در مورد خمر بیان کن یک بیانی که برای ما شفا باشد.

« في الخَمْرِ بَيَانًا شَافِيَا «

خودش هم یک حرفی است! مثلاً بگوئیم

« اللهم بَيِّنْ لنا في الزنا واللواط بَيَانًا شَافِيَا! اللهم بَيِّنْ لنا في السرقة بَيَانًا شَافِيَا! «

می گوید تحریم الخمر آمد یک مرتبه می گوید این آیه نازل شد یک بحث دیگری است. در این جا می گوید:

« نَزَلَ تَحْرِيمُ الْخَمْرِ إِسْنَادَهُ صَاحِبُ رِجَالِ ثِقَاتٍ شَيْخِيْنَ »

در مکاشفة القلوب در کتاب تاریخ مدینه منوره، جلد ۳، صفحه ۸۶۲ و نیز در کتاب المستطرف آمده است :

(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ)

سوره بقره (۲): آیه ۲۱۹

تا این که:

«شرب رجل فدخل فى الصلاة فهجر»

-اسم رجل را هم ایشان نمی آورد-

«فنزله تعالى: يا أيها الذين آمنوا لا تقربوا الصلاة وأنتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون فشربهامن شربها من

المسلمين وتركها من تركها»

-ولی این را دیگر مردانه آمده گفته است-

«حتى شربها عمر رضى الله عنه فأخذ بلحى بغير وشج به رأس عبد الرحمن بن عوف»

المستطرف في كل فن مستظرف مجلدين، ج ۲، ص ۵۰۰، اسم المؤلف: شهاب الدين محمد بن أحمد أبي

الفتح الأبهى الوفاة: ۸۵۰هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۰۶هـ - ۱۹۸۶م، الطبعة: الثانية،

تحقيق: مفيد محمد قميحة

لَحی در حقیقت، یا همه سر شتر بوده یا معمولاً سر شتر را که دو شقه می‌کنند قسمتی که دندان‌های شتر است لَحی یا لُحی می‌گویند ظاهراً لَحی صحیح باشد می‌گوید سر خشک شتر را برداشت به سر عبدالرحمان ابن عوف زد و سر او را شکست.

«ثم قعد ینوح علی قتلی بدر»

برای کفاری که در بدر، کشته شده بودند برای آن‌ها نوحه‌سرایی کرد!

«وکائن بالقیب قلیب بدر *** من الفتیان والعرب الکرام

أیوعدنی ابن کبشة أن سنحیا *** وکیف حیاة أصداء وهام»

«فبلغ ذلك رسول الله صلى الله عليه وسلم فخرج مغضبا یجر رداءه فرفع شیئاً کان فی یده فضربه به»

این خبر به رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید در حالیکه غضبناک بود به طوری که عبای حضرت به زمین کشیده می‌شد بیرون آمد چیزی دست پیغمبر صلی الله علیه و آله بود عمر را با آن زد.

خیلی جالب است، یعنی خدای عالم می‌خواهد امثال ابن تیمیه و آن‌هایی که دشمن امیر المؤمنین علیه السلام هستند را رسوا کند.

(يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ)

سوره حشر (۵۹): آیه ۲

من معتقد هستم این‌ها از معجزات اهل بیت علیهم السلام است، عنایات خدای عالم، به امیر المؤمنین علیه السلام است که این‌ها در منابع فقهی‌شان به عنوان یک فتوا این‌ها را نقل بکنند.

«فقال: أعوذ بالله من غضب الله و رسوله، فأنزل الله تعالى: إنما يريد الشيطان أن يوقع بينكم العداوة والبغضاء...»

تا جایی که عمر گفت:

« انتهىنا انتهىنا؛ ومن الأخبار المتفق عليها في تحريمها قول سيدنا رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يدخل الجنة مدمن خمر»

...کسی که همیشه شراب می خورد وارد بهشت نخواهد شد

ربيع الأبرار زمخشرى هم همين قضيه را نقل می کند:

«فأخذ لحي بغير فشج رأس عبد الرحمن بن عوف...»

ربيع الأبرار، ج ۱، ص ۳۹۸، اسم المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري جار الله (المتوفى : ۵۳۸هـ) الوفاة: ۵۳۸ ، دار النشر :

پرسش:

در عبارت زمخشری

« ليضربه»

دارد پیغمبر دستش را بالا برد که عمر را بزند گفت:

«أعوذ بالله من غضب الله ورسوله»

پاسخ:

این هم از عنایت ایشان است که **فَضْرَبَهُ** را **لِيَضْرِبَهُ** کرده است، ببینید این‌ها چه کار می‌کنند عبارت سرخسی را دوباره ببینید.

«فَضْرَبَهُ بِهِ»

عمر را با آن چیزی که در دستش بود زد ایشان می‌گوید **لِيَضْرِبَهُ**.

المستطرف في كل فن مستظرف ابشيهي هم همین تعبیر را دارد:

«فَضْرَبَهُ بِهِ»

پیغمبر با آن چیزی که در دستش بود عمر را زد.

المستطرف في كل فن مستظرف مجلدین ، ج ۲، ص ۵۰۰، اسم المؤلف: شهاب الدین محمد بن أحمد أبي الفتح الأبهیةي الوفاة: ۸۵۰هـ ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۰۶هـ - ۱۹۸۶م ، الطبعة: الثانية ، تحقيق: مفید محمد قمیحة

در سنن بیهقی عمرو ابن میمون می‌گوید:

«شهدت عمر بن الخطاب رضي الله عنه حين طعن قال أتاه أبو لؤلؤة وهو لعله يسوي الصفوف فطعنه وطعن اثني عشر رجلا قال فأنا رأيت عمر رضي الله عنه باسطا يده وهو يقول أدرکوا الكلب فقد قتلني»

...این سگ ابو لؤلؤ را بگیرد من را کشت!

سنن البيهقي الكبرى ، ج ۳، ص ۱۱۳، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي الوفاة: ۴۵۸ ، دار النشر: مكتبة دار الباز - مكة المكرمة - ۱۴۱۴ - ۱۹۹۴ ، تحقيق: محمد عبد القادر عطا

«فأتاه رجل من ورائه فأخذه قال فحمل عمر إلى منزله فأتاه الطبيب فقال أي الشراب أحب إليك»

یعنی در حال احتضار است این مطلب اگر در کتاب کافی بود زمین و آسمان را بر سر کلینی ویران می‌کردند!

«فقال النبيذ»

عمر گفت نبیذ از همه شراب‌ها برای من بهتر است.

نبیذ آوردند و خورد!

«فخرج من إحدى طعناته»

ظاهراً وقتی که زخمی شد روده‌اش پاره شده بود، از روده‌اش نبیذ بیرون آمد، طبیب گفت این چرکی که بیرون آمد این چرک خون است و شما وصیت کنید.

در مصنف عبدالرزاق هم آمده که مردی شراب نبیذی را که برای آقای عمر ابن الخطاب بود خورد در راه مست شد وقتی آن شخص از مستی بیرون آمد عمر بر او حد زد.

بعد عمر یک مقداری آب روی آن شراب ریخت و تناول فرمود جالب این است که عمر حد زد! آن شخص به عمر گفت:

«فقال له إنما شربت من قربتك فقال له عمر إنما جلدناك لسرك»

از همان مشکی که خودت از آن می‌خوردی من خوردم! عمر گفت من به خاطر خوردن شراب به تو حد نزدم! به خاطر این که مست شدی تو را حد زدم!

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار ، ج ٥، ص ٥٠٢ ، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي الوفاة: ٢٣٥ ، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩ ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: كمال يوسف الحوت

جالب است این را هم ببینید؛ (به تعبیر اهل سنت) فقیه الامّه نووی در المجموع می‌گوید:

«وأما النبيذ فهو نجس لأنه شراب فيه شدة مطربة فكان نجسا كالخمر»

المجموع ، ج ٢ ، ص ٥١٩ ، اسم المؤلف: النووي الوفاة: ٦٧٦ ، دار النشر : دار الفكر - بيروت - ١٩٩٧م

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته